

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲

صص ۱۶۶-۱۹۴

تئوری‌های توطئه در فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه عربی

دکتر زاهد غفاری هاشجین* - استادیار علوم سیاسی، دانشگاه شاهد

فاطمه زهرا قلندری - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۸/۲۰

چکیده

تئوری‌های توطئه، نوعی تجزیه و تحلیل تک علتی حوادث مختلف حیات بشری بر اساس توطئه است. این نوع تجزیه و تحلیل در فرهنگ‌های سیاسی مختلف به میزان متفاوتی دیده می‌شود. هدف اصلی مقاله حاضر شناخت جایگاه، ارکان و شواهدی از تئوری‌های توطئه در فرهنگ سیاسی منطقه خاورمیانه عربی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که این نوع از تجزیه و تحلیل‌ها در کنار سایر مؤلفه‌ها، یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار فرهنگ سیاسی خاورمیانه عربی بوده و ناشی از علل مختلف سیاسی و اجتماعی است. تئوری‌های توطئه در این منطقه به نوبه خود دارای ارکان سه‌گانه توطئه‌گران، توطئه‌باوران و مبانی و مفروضاتی است که سعی شده ضمن شناسایی و تشریح آنها، برای هرکدام شواهد و مصادیقی با استفاده از روش مطالعات اسنادی و با مراجعه به منابع قابل دسترس ذکر شود.

واژه‌های کلیدی: تئوری‌های توطئه، فرهنگ سیاسی، خاورمیانه عربی، توطئه‌گران، توطئه‌باوران.

۱- مقدمه

خاورمیانه از نخستین خاستگاه‌های تمدن بشری در جهان و دارای اهمیت و جایگاه مهم و حساسی در معادلات بین‌المللی است. این منطقه اهمیت خود در سیاست جهانی را مدیون موقعیت جغرافیایی خود، به‌عنوان پلی بین دریای مدیترانه و اقیانوس هند است. مناطق مهمی چون کانال سوئز، دریای سرخ و خلیج فارس نیز در این منطقه قرار گرفته‌اند. به‌علاوه این منطقه دارای ثروت‌ها و منابع غنی زیرزمینی و انرژی بویژه نفت و گاز است. برخورداری خاورمیانه از چنین جایگاه استراتژیک و موقعیت ژئوپلیتیکی موجب شده است که در طول تاریخ مورد کانون توجه و عرصه جولان قدرت‌های بزرگ بوده است. تلاش این‌گونه قدرت‌ها برای تصاحب منابع و ثروت‌های این منطقه موجب حضور، سیطره و رقابت‌ها و کشمکش‌های طولانی و دامنه‌داری بوده و به‌نوبه خود تأثیر به‌سزایی در فرهنگ و سیاست ساکنان این منطقه به‌دنبال داشته است. از جمله آثار حضور این‌گونه قدرت‌های فرامنطقه‌ای را می‌توان در شکل‌گیری و جهت‌گیری فرهنگ سیاسی این جوامع مشاهده کرد.

فرهنگ سیاسی و عناصر آن بر فکر و اندیشه و رفتار سیاسی مردم تأثیر بسیار دارد. فرهنگ سیاسی هر کشوری دارای مؤلفه‌هایی است که در بین آنها مؤلفه تئوری توطئه جایگاه خاصی را به‌خود اختصاص داده است. این مؤلفه از جمله مؤلفه‌های مشترک فرهنگ سیاسی کشورهای منطقه خاورمیانه بویژه بخش عربی آن است. رشد و رواج تئوری توطئه در فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه ناشی از علل و عوامل مختلف و دارای پیامدها و نتایج مهمی در عرصه سیاسی و اجتماعی این جوامع است (Zonis & Josef, 1994). این مؤلفه در قالب دشمن‌سازی‌های خیالی کارکردهای خاص خود را دارد. از جمله آنها می‌توان به مواردی نظیر تحریک افکار عمومی علیه دیگری، کسب حمایت افکار عمومی داخلی، سرپوش گذاشتن بر مشکلات داخلی، تهییج و تقویت نیروهای خودی، انحراف اذهان، هویت‌سازی و احیاء هویت‌های فروپاشیده و ... اشاره کرد (Hafeznia, 2010: 1).

تئوری‌های توطئه در خاورمیانه به‌نوبه خود دارای اجزاء، ارکان، شواهد و مصادیق بارز و متنوعی هستند (Pipes, 1998). شناخت این‌گونه تجربه و تحلیل‌ها در ابعاد نظری و عملی

دارای اهمیت زیادی است. با توجه به کثرت کشورهای خاورمیانه از یک سو و خلاء تحقیقاتی موجود از سوی دیگر، این مقاله بر آن است که ضمن بیان جایگاه مؤلفه توطئه‌باوری در کشورهای خاورمیانه عربی، ارکان و شواهدی از آن را در این کشورها مورد شناسایی و بررسی قرار دهد. در این ارتباط سه سوال زیر مطرح و مورد بررسی واقع شده است:

۱. مفهوم و مبانی نظری فرهنگ سیاسی و تئوری‌های توطئه چیست؟
۲. مؤلفه تئوری‌های توطئه در فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه عربی چه جایگاهی دارد؟
۳. ارکان تئوری‌های توطئه در منطقه خاورمیانه عربی کدامند؟

۲- مباحث نظری

سوال پژوهش حاضر عبارت است از اینکه «مفهوم و مبانی نظری فرهنگ سیاسی و تئوری توطئه چیست؟» در پاسخ به این سوال ابتدا تعریف و مفهوم فرهنگ سیاسی، تئوری توطئه و سپس مبانی نظری آن دو به اختصار توضیح داده می‌شود:

۲-۱- مفهوم فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی نخستین بار بعد جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۵۶ از سوی «گابریل آلموند» در علوم سیاسی مطرح شد. از نظر وِربا و آلموند، فرهنگ سیاسی دربرگیرنده جهات و گرایش‌های سیاسی افراد به سوی نظام، احزاب و فعالیت‌های سیاسی است (Obeidi, 2001: 8). از نظر آلموند فرهنگ سیاسی یعنی آن الگو و مدلی که در هر نظام سیاسی وجود دارد و با توجه به آن هدایت به سمت اعمال سیاسی انجام می‌گیرد. فرهنگ سیاسی را می‌توان آن نظام عقاید تجربی، نهادهای معنوی و ارزش‌هایی که نقشی در به وجود آمدن شرایطی که منجر به فعالیت سیاسی دارند، تعریف کرد (Mosallanejad, 2007: 7).

فرهنگ سیاسی شامل سه نوع فرهنگ‌های سیاسی سنتی، تبعی و مشارکتی است. در فرهنگ سیاسی سنتی یا محدود شهروندان به شکل مبهمی از وجود حکومت مرکزی مطلع هستند. در فرهنگ سیاسی تبعی، انفعالی یا انقیادی، شهروندان به عنوان اتباع حکومت نه به عنوان

شرکت‌کنندگان در فرایند سیاسی در نظر گرفته می‌شوند (Vinker, 2010: 18). افراد نسبت به نظام سیاسی در این نوع از فرهنگ سیاسی حالتی از ترس را دارند و معتقدند که قادر به مشارکت در عملکرد آن نیستند، لذا حالتی انفعالی دارند (Berteran, 1997: 52-53).

این نوع از فرهنگ ریشه در سنت‌ها داشته و به محدود کردن سطح مشارکت مردم در امور سیاسی و نوعی استبداد و دیکتاتوری در رفتار حاکمان با مردم گرایش دارد. لذا در سطح پایینی نسبت به دیگر فرهنگ‌های سیاسی قرار دارد (Ghalandari, 2011: 19). در فرهنگ سیاسی مشارکتی یا فعال شهروندان به این معتقدند که آنها هم می‌توانند سیستم را تحت تأثیر قرار دهند و متقابلاً تحت تأثیر قرار گیرند (Vinker, 2010: 18). این نوع فرهنگ بر اراده شهروندان و احقاق حقوق و تکالیف‌شان در تصمیمات سیاسی استوار است (Berteran, 1997: 52-53). فرهنگ سیاسی مشارکتی در سطح بالاتری از دیگر فرهنگ‌ها قرار دارد و بر خلاف فرهنگ سیاسی محدود یا سنتی خاص جوامع امروزی و مدرن است.

۲-۲- تعریف تئوری توطئه

واژه توطئه به معنای با هم نفس کشیدن است. با وجود اینکه تعریف دقیقی از این واژه ارائه نشده اما معمول است که یک توطئه را حوادث و رخدادهایی دانند که در برگیرنده دو یا چند توطئه‌گر بوده که با هم و به صورت پنهانی، برای دستیابی به یک هدف ممنوع شده و غیرقانونی در جهان واقعی فعالیت می‌کنند. لذا توطئه‌ها روی می‌دهند و قابل دیدن و لمس کردن هستند (Pipes, 1998: 9-10). تئوری توطئه دارای تعاریف متعددی بوده و ترجمه تحت‌اللفظی واژه Conspiracy Theory است. تئوری توطئه در واقع تحلیل تک‌علتی از وقایع، حوادث و رویدادهای مبتنی بر توطئه است که عامل وقوع این‌گونه حوادث، عناصر پشت پرده و دست‌های پنهان است.

لذا در تفاوت توطئه و تئوری توطئه باید بیان داشت که توطئه، برنامه‌ریزی پنهانی و اقداماتی که با اتکا به طرق غیرقانونی، غیراخلاقی و معمولاً غیر مسالمت‌آمیز صورت می‌گیرد و هدف از این اقدامات پیشبرد اهداف و مقاصد فردی، گروهی و یا ملی به بهای لطمه زدن به

منافع و حقوق دیگران است که از این عمل با واژه‌های مترادفی نظیر طرح پنهانی، توطئه‌چینی، تبنانی، دسیسه و ... یاد می‌شود. ولی تئوری توطئه چارچوبی از تجزیه و تحلیل وقایع است که طبق آن دست‌های پنهان و نقشه‌های پلید در وقوع حوادث و رخدادها از سوی توطئه‌گران دخیل است (Ghaffari Hashjin, 2002: 48-50). در این مقاله از تئوری‌های توطئه به تعبیر یکسان تحلیل‌های توطئه‌باورانه نیز یاد می‌شود.

۳-۲- ارکان تئوری توطئه

تئوری توطئه دارای سه رکن اساسی توطئه‌گران، توطئه‌باوران و مبانی تحلیل و مفروضات است. توطئه‌گران به کشورها، افراد، گروه‌ها و قدرت‌هایی اطلاق می‌شود که نقش توطئه‌چینی و توطئه‌گری را در تئوری‌های توطئه را بر عهده دارند. توطئه‌گران در هر گروه، جامعه و ملتی دارای اهداف و ارزش‌هایی عمیقاً مغایر با دیگر اهداف آن گروه، جامعه و ملت هستند (Zonis & Craig, 1994: 444-445). این توطئه‌گران بنا به توانایی و قلمرو نفوذ خود می‌توانند محلی، منطقه‌ای و جهانی باشند. توطئه‌باوران به افراد، گروه‌ها و کانون‌هایی گفته می‌شود که در تفسیر و توضیح پدیده‌ها و اتفاقات بر یک عامل (توطئه) تأکید دارند و حوادث را ناشی از توطئه‌پردازی و توطئه‌چینی توطئه‌گران می‌پندارند. بر این اساس نیز انواع گروه‌ها و افراد توطئه‌گر وجود دارد (Zonis & Craig, 1994: 444-445).

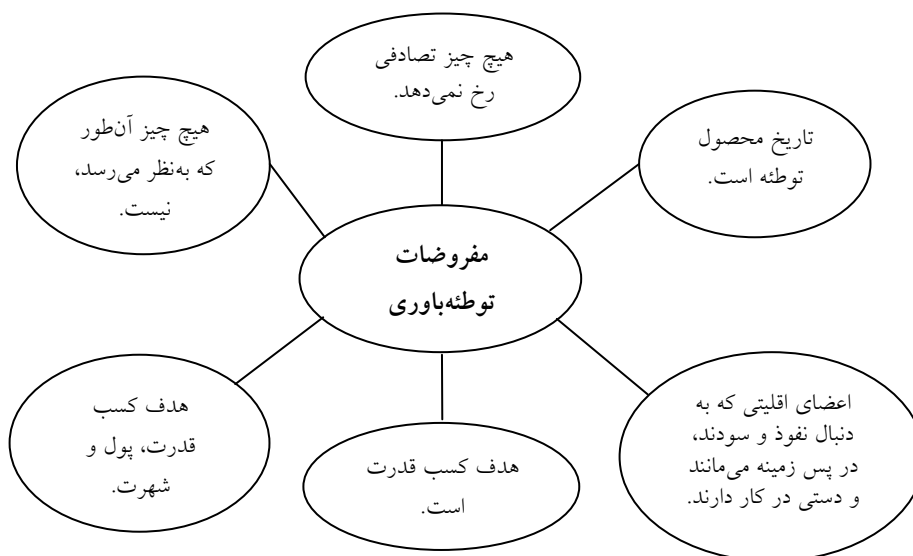
در مبانی تحلیل و مفروضات تئوری توطئه، باید بیان داشت که افراد دچار توهم و توطئه به یک‌سری شواهد به‌طور نامعقول چسبیده و از آن به‌طور نامنعطفی دفاع می‌کنند. تجزیه و تحلیل‌های افراد توطئه‌باور به‌نوعی ابطال‌ناپذیر بوده و معمولاً تبیین‌هایشان سریع و فوری است. فرد دچار توهم به‌طور معمول شواهدی را که ممکن است تئوری را درهم بریزد، قبول نکرده و به شواهدی پراکنده و غیر مستند تمسک می‌جوید (Ghaffari Hashjin, 2005: 14-25).

در تجزیه و تحلیل‌های توطئه‌باورانه فرضیاتی وجود دارد که طبق آن توطئه‌باوران به تجزیه و تحلیل امور می‌پردازند: این فرضیات شامل: ۱- هیچ چیز تصادفی رخ نمی‌دهد؛ ۲- به‌طور

معمول اعضای اقلیتی که به دنبال نفوذ و سودند، به طور محتاطانه‌ای در پس زمینه می‌مانند و دستی در کار دارند؛ ۳- هیچ چیز آن‌طور که به نظر می‌رسد، نیست؛ ۴- تاریخ محصول توطئه است و ۶- هدف به دست آوردن قدرت، پول و شهرت است (Pipes, 1998: 257-258). با توجه به توضیحات مذکور ارکان تئوری توطئه در قالب جدول شماره ۱ و مبانی و مفروضات توطئه باوری در قالب شکل شماره ۱ قابل جمع‌بندی و نمایش است:

جدول شماره ۱: ارکان تئوری‌های توطئه

ارکان	توطئه‌گران	توطئه‌باوران	مبانی و مفروضات
تعریف	افراد، گروه‌ها و کشورهای که در این تئوری‌ها به توطئه و دسیسه‌چینی می‌پردازند.	افراد و گروه‌هایی که به نقش توطئه‌باوران به عنوان تنها عامل وقوع اتفاقی خاص در تئوری‌های توطئه باور دارند و به این گونه تحلیل‌ها دامن می‌زنند.	کلمات، واژه‌ها، گزاره‌ها و عبارتهایی است که به واسطه آن تئوری‌های توطئه ساخته و پرداخته و ارائه می‌شوند.



شکل شماره ۱: مبانی و مفروضات اساسی توطئه باوری

۳- روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله از نوع مطالعات اسنادی است. اسناد مورد استفاده شامل کتاب‌ها، مقالات و سایر منابع فارسی، عربی و لاتین مرتبط با موضوع تحقیق است. جامعه پژوهش نیز شامل کلیه منابع موجود و مرتبط قابل دسترس با تئوری‌های توطئه‌خاورمیانه عربی است. در این مقاله سعی شده تا مطالب مرتبط با موضوع فیش‌برداری و در راستای هدف پژوهش مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین در پژوهش حاضر به دلیل محدودیت‌های موجود، نمونه‌گیری انجام نگرفته و کلیه منابع و مراجع قابل دسترس مورد بررسی و تحلیل اسنادی قرار گرفته‌اند. از این‌رو، ابزار پژوهش تحقیق فرم‌های فیش‌برداری بوده و داده‌های حاصل نیز با استفاده از تکنیک‌های تحلیل کیفی؛ جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تحلیل شده است.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- تئوری توطئه مؤلفه‌ای از فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه عربی

در پاسخ به دومین سوال پژوهش که «مؤلفه تئوری توطئه در فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه عربی چه جایگاهی دارد؟». به مؤلفه‌های اساسی فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه عربی با تأکید بر سه کشور سوریه، عراق و مصر اشاره شده و سپس جایگاه تجزیه و تحلیل‌های توطئه‌باورانه در میان این مؤلفه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۴-۲- مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی خاورمیانه عربی

معمولاً فرهنگ سیاسی کشورهای منطقه خاورمیانه ترکیبی از انواع فرهنگ‌های سیاسی است. در بعضی دیگر از کشورهای این منطقه بویژه بخش عربی آن با توجه به تقسیم‌بندی‌های مورد اشاره درباره فرهنگ سیاسی، می‌توان فرهنگ سیاسی تبعی را مشاهده کرد. در این فرهنگ سیاسی مردم در فرایندهایی که بر تصمیمات سیاست مؤثر هستند، شرکت ندارند.

از نظر مغربی زندگی اجتماعی اعراب در چارچوبی از زنجیره اقتدار و روابط تبعیت میان پدر و فرزندان، برادران و خواهران و جوانان و پیرها شکل می‌گیرد. این مسئله در رابطه میان

حکومت کنندگان و حکومت‌شوندگان نیز ادامه می‌یابد. این مهم برای افراد به‌منظور پذیرش هرگونه نظام اقتدارگرایانه طبیعی می‌شود (Obeidi, 2001: 16-17). برخی از مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی خاورمیانه عربی عبارتند از:

استبداد به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی منطقه خاورمیانه عربی به‌معنی نوعی فضای ظالمانه است که در آن از کارگزاران و شهروندان تنها اطاعت محض مورد انتظار است. اعمال خشونت از سوی حکومت نسبت به مردم به‌وضوح در سیاست خاورمیانه عربی مشهود است (Pipes, 1998: 26-28). از ویژگی‌های استبداد حاکم در خاورمیانه عربی که منجر به تبدیل شدن آن به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی این منطقه شده است، می‌توان به شخصی بودن قدرت، غیررسمی بودن سیاست، ستیز متوازن، نظامی‌گری و ... اشاره کرد (Noroozi, 1996: 169) که به‌دنبال خود فقدان آزادی‌های فردی و اجتماعی در این‌گونه کشورها را به‌دنبال دارد (Svec, 2007: 3).

۱-۲-۴- بی‌اعتمادی

یکی آسیب‌های اجتماعی مهم، تضعیف هنجارهای اخلاقی و رشد بی‌اعتمادی در جامعه است. پدیده بی‌اعتمادی از دهه ۱۹۷۰ میلادی در بسیاری از جوامع و دولت‌های منطقه خاورمیانه عربی به‌واسطه اعمال و کارنامه نظام‌های سیاسی حاکم تشدید شد که در تأمین رفاه و تحقق وعده‌های خود موفق نبودند. از نشانه‌های بی‌اعتمادی می‌توان به رواج و رسمیت یافتن دروغ در مناسبات و روابط اجتماعی، افزایش سوگند در گفت‌وگوها، فردگرایی، تظاهر و ریا، گزافه‌گویی و ... اشاره کرد. از جمله عوامل مؤثر در رشد حس بی‌اعتمادی در این منطقه می‌توان مواردی نظیر شکاف میان دولت و جامعه، مهیا نبودن شرایط برای مشارکت بیشتر مردم، اشاره کرد (Gray, 2010: 165-167). لذا بسیاری از اعراب دارای این حس مشترک هستند که هیچ توانایی و تأثیر بر سرنوشت خود ندارند (Eisa, 2010).

۲-۲-۴- بیگانه‌ستیزی

بیگانه‌ستیزی از مؤلفه‌های دیگر فرهنگ سیاسی خاورمیانه عربی است. سلطه و نفوذ قدرت‌های استعماری در این منطقه سابقه دیرین و روشنی دارد. تسلط بر این منطقه حساس برای کشورهای استعمارگر غربی دارای منافع گوناگون از جمله منافع اقتصادی بوده است. به همین دلیل بسیاری از شرایط مساعد و توانایی‌های بومی این جوامع برای دخالت در تعیین سرنوشت خود، در سطوح محلی و ملی به تحلیل برده شده است. این قدرت‌های سلطه‌گر نه تنها به کنترل فیزیکی بر منطقه، بلکه بر نفوذ خود در زمینه عقاید و دیدگاه‌های سیاسی هم تأکید داشته‌اند (Gray, 2011: 107). بر این اساس غرب در میان نخبگان سیاسی و سایر افراد خاورمیانه عربی به‌عنوان «نماد بیگانه بودن» مطرح و این ویژگی حس بیگانه‌ستیزی را در میان مردمان منطقه خاورمیانه عربی ایجاد و تشدید کرده است.

۳-۲-۴- فردمحوری

در فردمحوری به‌عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی، توجه به فرد و منافع فردی در کانون توجه قرار دارد. از ویژگی‌های فردمحوری می‌توان به بی‌تفاوتی به مسائل پیرامون جمعی و تنها توجه به اهداف شخصی اشاره کرد. در فرهنگ سیاسی کشورهای منطقه خاورمیانه عربی ویژگی‌های آمریت، فردمداری و اقتدارگرایی نهادینه شده است. در کشورهای عربی، حکومت بر حوزه عمومی جامعه سیطره کاملی دارد. لذا مردم گرایش بیشتری به سوی حوزه شخصی و خصوصی زندگی خود پیدا کرده‌اند. این امر منجر به تفرقه و بروز نوعی بی‌هویتی در میان آنان شده است.

۴-۲-۴- تئوری توطئه

از جمله مؤلفه‌هایی که بخش مهمی از فرهنگ سیاسی این منطقه را تشکیل می‌دهد، تئوری توطئه است که در آثار بسیاری که از نویسندگان عرب یا متخصصان این منطقه انعکاس یافته است (Gray, 2010: 29). تئوری توطئه در حقیقت چهارچوب و پارادایمی در تجزیه و

تحلیل وقایع، حوادث و پدیده‌های حیات بشری است که بر اساس آن وقایع و حوادث بر اساس یک علت، یعنی توطئه تجزیه و تحلیل می‌شوند و نگاه جامع و تحلیل واقع‌بینانه راجع به تحلیل و تبیین حوادث به‌کار گرفته نمی‌شود (Ghaffari Hashjin, 2005). مؤلفه تئوری توطئه در فرهنگ سیاسی جوامع مختلف کم و بیش دیده می‌شود (Pipes, 1994 a)، ولی در خاورمیانه عربی این پدیده شایع‌تر بوده و در این منطقه از جهان به میزان زیادی گسترش یافته است (Zonis & Craig, 1994: 443-459; Brown, 1984: 233-252).

بنا به تعبیری مطالعه خاورمیانه و کشورهای عربی بدون توجه به تئوری توطئه و تجزیه تحلیل‌های توطئه‌باورانه، شبیه مطالعه اقتصاد کشور آمریکا بدون توجه به نقش وال استریت و بررسی سیاست اتحاد جماهیر شوروی بدون توجه به مکتب مارکسیسم-لنینیسم است (Pipes, 1998: 1-6). این‌گونه تجزیه و تحلیل‌ها درباره مسائل و اتفاقات ریز و درشت این منطقه مشاهده می‌شود و می‌توان شواهدی از آن را از مسائل خصوصی زندگی افراد گرفته تا حرکت‌های انقلابی و بیداری اسلامی اخیر این منطقه ملاحظه کرد (Eisa, 2010).

این مؤلفه در کشورهای مختلف منطقه خاورمیانه از جمله بخش عربی آن به میزان متفاوتی مشاهده می‌شود که بر اساس آن وقایع و رخداد‌های جهان بر اساس عامل توطئه، تجزیه و تحلیل و تفسیر می‌شود (Gheisas, 2010). با توجه به اهمیت موضوع، صاحب نظرانی سعی و تلاش کرده‌اند که درباره این پدیده و علل رشد و رواج آن در خاورمیانه اظهار نظرهایی بکنند که از جمله آنها می‌توان به افرادی چون ماروین زونیس و ژوزف کراج، دنیل پایپز و متیو گری اشاره کرد.

ماروین زونیس و کراج در مقاله خود به علل رواج تئوری توطئه در خاورمیانه پرداخته‌اند. آنها در کنار عامل روانشناختی، به عواملی نظیر تنزل جهانی مسلمانان، نفوذ افکار اروپایی در میان مردم خاورمیانه، نظام‌های سیاسی استبدادی حاکم بر این منطقه و توطئه‌ها و دخالت‌های سلطه‌گرانه قدرت‌های خارجی به‌عنوان عوامل مؤثر بر رواج تئوری توطئه در منطقه خاورمیانه و کشورهای عربی اشاره کرده و برای عامل فرهنگی تأثیر کمتری قایل شده‌اند. از نظر زونیس و کراج در میان مردمان خاورمیانه عربی این تفکر وجود دارد که در پس هر حادثه و رخدادی

دست پنهانی وجود دارد که در وقوع آن مؤثر است. در این میان آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها در معرض اتهام توطئه‌گری بیشتری قرار دارند. در این‌گونه جوامع به دلیل باز نبودن فضای سیاسی جامعه و عدم وجود جریان اطلاع‌رسانی شفاف، فقدان اطلاعات لازم و عدم حوصله و صرف وقت کافی برای تحلیل رویدادها، مردم از قدرت تحلیل صحیح و منطقی وقایع برخوردار نبوده و در نتیجه به تحلیل‌های توطئه‌باورانه روی می‌آورند (Zonis & Craig, 1994: 5).

دلیل پاییز که در زمینه تئوری‌های توطئه خاورمیانه مطالعاتی انجام داده، معتقد است که توطئه‌باوری در خاورمیانه بویژه کشورهای عربی اثرات عمیقی در بر داشته است. به اعتقاد وی توطئه‌اندیشی و گسترش آن در خاورمیانه محصول دو قرن اخیر و ناشی از علل و عوامل تاریخی است. پاییز در تشریح این‌گونه عوامل به تسلط و حاکمیت قدرت‌های غربی در خاورمیانه و استمرار سلطه نظام‌های سیاسی استبدادی و همچنین به کثرت و تنوع انواع توطئه‌های واقعی در این منطقه اشاره می‌کند و اوج رشد توطئه‌باوری در خاورمیانه و بخش عربی منطقه به سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ میلادی بر می‌گردد، یعنی زمان جنگ جهانی دوم (Pipes, 1997). به نظر او این‌گونه عوامل به‌نوبه خود به تئوری‌های توطئه دامن زده و آنها را در سطح گسترده‌ای شایع کرده است. او نقش علل و عوامل فرهنگی و روانشناختی را در این باره اندک می‌داند (Pipes, 1998: 295-289).

متیو گری در کتاب خود با عنوان «تئوری توطئه در جهان عرب» به عواملی نظیر جهانی شدن، اصلاحات اقتصادی، ضعف در مشروعیت حکام، بروز جنگ در عراق، اختلاف میان اعراب و رژیم صهیونیستی، ظهور اسلام‌گرایی سیاسی، اینترنت، ماهواره و ... در رشد تجزیه و تحلیل‌های توطئه‌باورانه اشاره کرده است. گری باور دارد که از دلایل رشد و رواج تئوری توطئه در خاورمیانه بویژه در بخش عربی آن می‌توان به وجود استعمار، حاکمان مستبد، بیگانه‌ستیزی و ... اشاره کرد. به اعتقاد وی از نگاه برخی، وجود طلای سیاه (نفت) نیز بر رواج تئوری توطئه و تجزیه و تحلیل‌های توطئه‌باورانه نقش داشته است.

از دیدگاه گری نگاهی به وقایع تاریخی و تحلیل و تفسیر آن، می‌تواند بستر و نقطه آغاز

خوبی در بررسی تئوری توطئه و یافتن شواهد تاریخی برای آن باشد. او اعتقاد دارد که شواهد تاریخی پایه و چهارچوب مناسبی برای مطالعه این پدیده فراهم می‌کند و این‌گونه نیست که یک حادثه و رویداد تاریخی خاصی منجر به پیدایش تئوری توطئه شود. عوامل دیگری نیز نیاز است تا با ترکیب با یکدیگر به‌عنوان عاملی محکم در رشد و رواج تفکر توطئه‌باوری در خاورمیانه مؤثر واقع شود (Gray, 2010: 29).

در این میان برخی به عوامل خارجی و دخالت و سلطه قدرت‌های غربی بر خاورمیانه و جهان اسلام با ذکر مجموعه‌ای از شواهد تاریخی و نقش آن در شیوع توطئه‌باوری اشاره می‌کنند (Bigdeli, 1899: 84). از جمله این حوادث مهم می‌توان به برخورد میان ارتش اروپا و محمدعلی شاه در مصر در قرن ۱۹ اشاره کرد که منجر به سقوط حکومت محمدعلی شاه در سال ۱۸۴۰ میلادی شد. کشمکش میان اعراب و صهیونیست‌ها و وقوع جنگ شش روزه، وقایع بعد از یازده سپتامبر و اشغال افغانستان و عراق، مواضع و سیاست غربی‌ها درباره ایران و سوریه و جریان‌های انقلابی در کشورهای عربی و نمونه‌های دیگری از دخالت غرب در منطقه است که زمینه‌های رشد و رواج تئوری‌های توطئه را بیشتر فراهم کرده است (Abdel Salam, n.d: 89-90).

۳-۴- ارکان تئوری‌های توطئه در منطقه خاورمیانه عربی

سومین سوال این پژوهش عبارت بود از اینکه «ارکان تئوری‌های توطئه در منطقه خاورمیانه عربی کدامند؟» در تحلیل این ارکان ابتدا در این قسمت به دو رکن اساسی تئوری‌های توطئه خاورمیانه یعنی توطئه‌گران و توطئه‌باوران اشاره می‌شود و سپس در قسمت تجزیه و تحلیل مقاله به مبانی مفروضات این‌گونه تئوری‌های توطئه اشاره خواهد شد.

۱-۳-۴- توطئه‌گران در تئوری‌های توطئه خاورمیانه عربی

الف: بریتانیا

بریتانیا همواره از گذشته‌های دور از توطئه‌گران اصلی نه تنها در این منطقه بلکه در جهان

به‌شمار می‌آید. بریتانیا بعد از خاتمه جنگ جهانی اول با این هدف سلطه و نفوذ خود را در خاورمیانه عربی گسترش داد تا دولتی یهودی در فلسطین ایجاد کند. به‌عبارتی دیگر، این دولت به‌روشی غیرمستقیم ریشه بریتانیا را در خاورمیانه عربی تحکیم می‌کرد (Pipes, 1994 a). بریتانیا در زمان قیمومیت‌اش در خاورمیانه عربی به‌منظور توطئه‌گری و برای رسیدن به اهدافش با عاملان و کارگزاران توافق‌نامه‌ها و معاهده‌هایی را منعقد کرد. از جمله آنها می‌توان به معاهده سایکس - پیکو درباره تقسیم امپراطوری عثمانی و سرزمین‌های عربی اشاره کرد که در نهایت زمینه حاکمیت صهیونیست‌ها بر سرزمین فلسطینی‌ها را با سیاست و توطئه انگلیسی فراهم کرد (Gray, 2010: 53-54).

عاملان و دست‌نشانندگان بریتانیا، سیاستمداران عربی را مجبور ساختند تا سیاست‌ها و برنامه‌های آنها را اجرا کنند. وجود این میراث پنهان‌کاری و حيله‌گری انگلیسی به‌شدت زندگی سیاسی و اجتماعی مردم خاورمیانه عربی را تحت تأثیر قرار داده و آنان را نسبت به این کشور استعمارگر بدبین ساخته است (Pipes, 1994 a). در این باره یکی از نویسندگان مصری معتقد است که «هیچ فرد انگلیسی وجود ندارد که عمداً اشتباه کند، چرا که او هر چیزی را مبتنی بر اصلی انجام می‌دهد؛ بر اساس اصول ملی‌گرایی با شما می‌جنگد؛ بر اساس اصول تجارت از شما دزدی می‌کند؛ بر اساس اصول سرمایه‌داری از شما بهره‌کشی می‌کند و بر مبنای تکبر و غرور شما را تهدید می‌کند (Ibid).

به اعتقاد مصری‌ها سیاست مداخله، تحریک و توطئه انگلیسی اوضاع مصر دارای قدرت و تمدن را دچار انحطاط کرد (Pipes, 1998: 300). براین اساس در برخی از این‌گونه تحلیل‌ها به‌عنوان نمونه متهم اصلی در شیوع بیماری‌های واگیری چون وبا و مالاریا در بعد از جنگ جهانی دوم در مصر، انگلیسی‌ها هستند (Ibid). با توجه به پیشینه تاریخی منفی و همچنین همدستی بریتانیا با آمریکا در حمله به عراق و اشغال این کشور در سال ۲۰۰۳، ذهنیت توطئه‌باورانه نسبت به نقش آن کشور در وقایع و حوادث به شکل گسترده‌ای وجود دارد.

ب: رژیم صهیونیستی

از دیدگاه صاحب‌نظرانی همچون زونیس و جوزف، صهیونیسم یکی از کانون‌های اصلی توطئه‌گری در خاورمیانه محسوب می‌شود (Zonis & Gosef, 1994: 45). رژیم صهیونیستی همواره متهم به طراحی دسیسه‌چینی و توطئه علیه کشورهای عربی بوده است. با توجه به این پیشینه تاریخی، بسیاری از رویدادها و حوادث ناگوار در میان اعراب، به این رژیم نسبت داده می‌شود (Alkhazen, 2010).

رژیم صهیونیستی همواره در وقایع مختلف منطقه دخالت داشته است و اعراب نیز در مقابل آن واکنش نشان داده‌اند. جلوگیری از ناسیونالیسم عربی، مهار بنیادگرایی اسلامی، جلوگیری از نفوذ کمونیسم، اشغال سرزمین‌های فلسطینی (سواحل غربی رود اردن و غزه)، بدرفتاری در قبال ساکنان منطقه و درگیری با جنبش‌های اسلامی در لبنان، اردن و یمن از جمله اقدامات توطئه‌گرانه رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه عربی است (Pipes, 1992: 42-43). بر این اساس صهیونیست‌ها در منظر اعراب خاورمیانه و در رسانه‌های آنها به شکل میمون، کرم، عنکبوت، خوک، کلاغ، اکتاپوس، گرگ و تروریست‌هایی به تصویر کشیده می‌شوند که قصد سلطه بر جهان را دارند و «پروتکل‌های شیوخ صهیون» به‌عنوان دلیلی بر این مدعا مطرح می‌شود (Pipes, 1998: 146).

بر اساس برخی از تحلیل‌های توطئه‌باورانه مصری، این‌گونه اظهار می‌شود که رژیم صهیونیستی با تولید و قاچاق میوه‌های پرورش‌یافته با اشعه، منجر به شیوع بیماری سرطان در میان مردم مصر شده است. همچنین در این‌گونه تحلیل‌ها، صهیونیست‌ها متهم هستند که با اعزام زنان مبتلا به ویروس ایدز به کشورهای عربی از جمله مصر به شیوع این بیماری و گسترش آن دامن زده‌اند (Pipes, 2010). حتی در سال ۱۹۹۰ میلادی زمانی که محصولات گوجه‌فرنگی مصر دچار آفت و گندیده شد، این شایعه در میان مصریان پخش شد که وزیر کشاورزی مصر که نیمه یهودی است، با وارد کردن تخم‌های گوجه‌فرنگی نامرغوب از رژیم صهیونیستی در پی صدمه زدن به کشاورزی مصر بوده است (Pipes, 1999).

به‌دلیل نقش رژیم صهیونیستی در دشمنی علیه سوریه، این امر حس ضد صهیونیستی را در

میان نخبگان سیاسی و افراد عادی و به دنبال آن تحلیل‌های توطئه‌باورانه را تقویت کرده است. حافظ اسد، صهیونیست‌ها را به عنوان مهاجمانی معرفی می‌کند که تهدید کننده تمام ملت عرب و نژاد بشر هستند. این‌گونه تحلیل‌ها در زمان بروز بحران و آشوب در این کشور مثل کودتای فوریه سال ۱۹۵۴ و سایر حوادث مشابه تشدید شده است که نمونه‌های آن را می‌توان در سخنان نخبگان سیاسی وقت سوریه ملاحظه کرد (Pipes, 1998: 59 & 105 & 256).

اعراب منطقه خاورمیانه عربی بر این باورند که در ماجرای دزدان دریایی سومالی، هرج و مرج‌ها و درگیری‌های یمن و جنگ‌های طولانی شهری در آن، ستیز میان اقوام، مذاهب و گسترش سلفی‌گری در قرن بیستم و بیست و یکم ناشی از دست پنهان صهیونیست‌ها و آمریکایی‌هاست (Gray, 2010: 1-2). بعد از سقوط برج‌های دو قلو در مرکز تجارت جهانی تئوری توطئه زیادی در جهان عرب ظاهر شد. در یکی از کانال‌های تلویزیونی حزب الله لبنان، المنار، در تاریخ هفده سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی بیان شد که در حدود چهار هزار کارمند یهودی این برج در تاریخ یازده سپتامبر در محل کارشان حضور پیدا نکردند و این نظر اعلام گردید که آنها قبل این حمله از این ماجرا باخبر شده بودند. این تفکر هنوز در جهان عرب دیده می‌شود که در حادثه یازده سپتامبر هیچ قربانی اسرائیلی وجود نداشته است. اما طبق گفته‌های جرج دابلیو بوش، بیش از ۱۳۰ اسرائیلی در این حادثه هلاک شدند. مباحث توطئه‌باورانه‌ای در تعدادی از رسانه‌های جهان عرب در مورد به همراهی مستقیم رژیم صهیونیستی با سازمان اطلاعات خارجی خویش (موساد) در حادثه یازده سپتامبر بیان شده و در بسیاری از این اخبار، تئوری توطئه به‌طور برجسته‌ای نمایان شده است (Ibid).

صدام حسین همواره رژیم صهیونیستی را یکی از کانون‌های اصلی توطئه بر می‌شمرد. او دست پنهان و اقدامات شرورانه رژیم صهیونیستی را در پشت هر امر مذموم و عمل زشتی می‌دید. وقتی زلزله مهیب اکتبر ۱۹۹۲ قاهره رخ داد، مطبوعات عراق این حادثه را در چارچوب تجزیه و تحلیل‌های توطئه‌باورانه تحلیل کردند و آن را ناشی از اقدامات و آزمایش‌های هسته‌ای اسرائیل و آمریکا قلمداد کردند (Pipes, 1998: 257).

حمله به عراق و ایجاد اوضاع و شرایط آشفته در کشور از نظر جیم موران، یکی از اعضای

کنگره آمریکا، به دلیل حمایت از اجتماع یهودیان و اسرائیلی‌ها بوده است. از نظر این فرد اگر این پشتیبانی نبود، هیچ‌گاه حمله به عراق صورت نمی‌گرفت. این جنگ و ایجاد شرایط آشفته در عراق نتیجه نفرتی بوده که یهودیان، مسیحیان، دست راستی‌ها، نظامیان و صنعتگران از جهان عرب داشته‌اند (McConnachie & Tudge, 2008: 424).

از جمله شواهدی که در زمینه تئوری توطئه در خاورمیانه بر سر زبان‌هاست، پخش آدامس‌هایی از سوی رژیم صهیونیستی در میان کودکان فلسطینی است. گفته شده که این آدامس‌ها دارای نیروی افزایش دهنده تحرک جنسی و جلوگیری کننده حاملگی بوده‌اند. مقامات فلسطینی باور به این مسئله داشته و نمونه‌هایی از این آدامس‌ها را به آزمایشگاهی در قاهره فرستادند و معتقدند بودند که این آدامس‌ها حاوی مقداری پروژسترون‌اند. این ماده محرک جنسی و عاملی در جلوگیری از بارداری است. در مقابل برخی ادعا می‌کنند که آزمایشات آمریکاییها این ادعا را رد کرده است (Pipes, 1998).

ج: آمریکا

در جنگ جهانی دوم آمریکا به‌عنوان یک بازیگر خارجی مهم در منطقه شناخته شد و در طول سالهای جنگ سرد و تاکنون، آمریکا نقش مسلطی را در خاورمیانه عربی بازی کرده است (Rich, 1991: 238). اعراب خاورمیانه معتقدند که حکومت آمریکا به دنبال توطئه‌چینی برای تسلط و حاکمیت بر جهان است. هیچ منطقه‌ای در جهان به اندازه خاورمیانه عربی امروزی تحت توجه و دخالت آمریکا قرار نگرفته است و هرچه توسل به زور و یک‌جانبه‌گرایی از جانب آمریکا در منطقه خاورمیانه افزایش یافته است به همان میزان زمینه برای افزایش تعارض و بروز بحران و جو عدم اعتماد بیشتر شده است (Mottaghi, 2008: 8) و این امر نیز به نوبه خود به گسترش بدبینی و تحلیل‌های توطئه‌باورانه درباره آمریکا دامن زده است.

خاورمیانه عربی به‌عنوان منطقه‌ای با ذخایر و انرژی سرشار و موقعیت استراتژیک، همواره دارای جایگاهی ویژه در راهبردها و سیاست‌گذاری‌های ایالات متحده داشته است (Pipes,

1994b). وقوع رخداد یازده سپتامبر در سال ۲۰۰۱ میلادی، اشغال افغانستان و عراق و به دنبال آن طرح خاورمیانه بزرگ، بیش از پیش درهم تنیدگی منفعتی و امنیتی آمریکا را با منطقه خاورمیانه عربی آشکار ساخت. تلاش برای تصاحب و تسلط بر منطقه نفت خیز خاورمیانه و تلاش برای مبارزه و کنترل جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی و حمایت از رژیم صهیونیستی از جمله دلایل حضور آمریکا در منطقه خاورمیانه عربی است که نگاه ساکنان آن را نسبت به آمریکایی‌ها بدبین کرده و به نوبه خود به افزایش نقش توطئه‌گری آنها در تئوری‌های توطئه افزوده است. در این راستا طرح مواردی نظیر شبه هلال شیعه و به دنبال آن دامن زدن به مباحث شیعه‌هراسی با خلق دشمن موهوم و غیرواقعی را می‌توان از جمله تاکتیک‌های نوین آمریکا در خاورمیانه در جهت مشروعیت‌بخشی به اقدامات تجاوزکارانه آمریکا در منطقه تلقی کرد (Javdani Moghadam, 2012: 47).

در تحلیل‌های مربوط به شکست جمال عبدالناصر در جنگ شش روزه، آمریکا و بریتانیا ایفاگر نقش اصلی توطئه‌گری بودند (Pipes, 1999). همچنین درباره تلاش آمریکا در سال ۱۹۵۷ میلادی به منظور منحرف کردن جریان رود نیل به سمت دریای سرخ که باعث خشک شدن کشور مصر جمال عبدالناصر می‌شده، تجزیه و تحلیل‌های توطئه‌باورانه زیادی ارائه شده است (Pipes, 1998: 14-18).

از جمله تحلیل‌های توطئه‌باورانه عربی متهم کردن حافظ اسد به عنوان عامل آمریکا برای کنترل اوضاع منطقه به منظور رسیدن به اهداف بوده است. مثلاً اظهار شده که حافظ اسد با گرفتن مبلغ ۱۲ میلیون دلار رشوه به منظور تقویت رابطه سوریه با حکومت آمریکا، از سال ۱۹۷۷ میلادی به عنوان یک عامل آمریکا به کار گرفته شد و نیز آمده که رژیم حافظ اسد همچون دیگر رژیم‌های عربی، پادوگران آمریکا هستند (Pipes, 1998: 277).

حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ منجر به سقوط صدام شد و آثاری را برای مردم جهان و عراق به دنبال داشت. بعد از اشغال عراق توسط آمریکا به بهانه وجود اسلحه‌های بیولوژیکی، شیمیایی در این کشور و ایجاد فضای اختلاف، آشوب و بحرانی در عراق توسط اشغالگران بر رشد و گسترش تئوری‌های توطئه بسیار مؤثر بوده است (McConnachie & Tudge,)

408: 2008)، که در برخی موارد تفکیک توطئه‌های واقعی از غیرواقعی را از هم مشکل ساخته است. مثلاً در برخی تحلیل‌ها در سال ۲۰۰۷ آمریکا به همراه نوری مالکی به قتل عام مسلمانان سنی مذهب متهم شده‌اند.

یا نمونه‌ای از این‌گونه تحلیل‌ها را می‌توان درباره تغییر پرچم عراق در اوایل سال ۲۰۰۸ مشاهده کرد، در اظهار نظری عنوان شد که تغییر عبارت دست نوشته «الله اکبر» توسط صدام، ناشی از توطئه و دست پنهان سعودی‌ها و بهاییان و عدم توجه به منافع مردم عراق بوده است (Gray, 2010: 108-109). از نظر بسیاری از لبنانی‌ها، آمریکا درصدد استفاده از این کشور به‌عنوان دریچه نفوذ سهل الوصول برای دخالت در سوریه و توطئه‌گر اصلی در صحنه سیاسی لبنان و تحلیل‌های توطئه‌باورانه آن کشور است (Hamadeh, 2012). چکیده‌ای از شواهدی از توطئه‌گران در تئوری‌های توطئه خاورمیانه عربی در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲: شواهدی از توطئه‌گران در تئوری‌های توطئه خاورمیانه عربی

کشور توطئه‌گر	شواهد توطئه‌گری
بریتانیا	معاهده سایکس پیکو، شیوع بیماری وبا و مالاریا بعد از جنگ جهانی دوم، دخالت در جنگ عراق.
رژیم صیہونیستی	مقابله با ناسیونالیسم عربی، مهار بنیادگرایی اسلامی، جلوگیری از نفوذ کمونیسم، درگیری با جنبش‌های اسلامی در لبنان، اردن و یمن، اقداماتی برای کنترل زاد و ولد فلسطینی‌ها، حادثه یازده سپتامبر، دخالت در جنگ عراق.
آمریکا	نقش آمریکا در شکست جمال عبدالناصر در جنگ شش روزه، تلاش سال ۱۹۵۷ به‌منظور منحرف کردن جریان رود نیل به سمت دریای سرخ، تغییر پرچم عراق در اوایل سال ۲۰۰۸.

۲-۳-۴- توطئه‌باوران در تئورهای توطئه خاورمیانه عربی

الف: نخبگان سیاسی

تحلیل‌های توطئه‌باورانه درباره حوادث گوناگون در میان اقشار مختلف از جمله سیاستمداران، نخبگان سیاسی، چهره‌های مذهبی، روشنفکران و روزنامه‌نگاران خاورمیانه عربی مشاهده می‌شود (Pipes, 1998: 103-104). این پدیده به شکل فراگیر در عرصه‌های مختلف سیاسی از جمله قانون اساسی، قوانین عادی، سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، اعلامیه و ابلاغیه‌های رسمی

کشورهای عربی در رسانه‌های گروهی آنها به کرات بیان می‌شود (Pipes, 1998: 1-3). این‌گونه تحلیل‌ها در شرایط و اوضاع بحرانی جوامع غیر دموکراتیک در میان حاکمان و نخبگان سیاسی بیشتر دیده می‌شود که نمونه‌های بارز آن در جریان حرکت‌های انقلابی و اعتراضی در کشورهای عربی نظیر مصر، لیبی، یمن، بحرین، تونس و ... به وضوح پیداست (Eisa, 2010). از جمله توطئه‌باوران نخبه سیاسی عرب می‌توان به کسانی چون حافظ اسد، صدام حسین، معمر قذافی، علی عبدالله صالح، حکام بحرین و ... اشاره کرد. ذهنیت توطئه‌باورانه در بسیاری مواقع زمینه را برای انجام توطئه فراهم می‌کند. نمونه روشن در این باره سال ۱۹۷۹ میلادی است. زمانی که صدام حسین به دنبال بهانه‌ای برای پاکسازی حزب بعث از رقبا و دشمنان احتمالی بود، اعلام داشت «در حزب ما خائینی وجود دارد» و در پی آن بیست نفر از اعضای حزب بعث را اعدام کرد. وی در ذهن توطئه‌باورانه خود از طرقتی همچون توطئه تصادف ماشین یا سانحه‌ای هوایی بهره می‌جست. صدام حسین افراد بسیاری همچون عدنان خیرالله را به این طریق از میان برداشت و به هلاکت رسانید (Pipes, 1998: 180).

یکی از افراد توطئه‌باور در منطقه خاورمیانه عربی، حافظ اسد بود. او در اظهاراتش از کلمات و اصطلاحات مربوط به تئوری توطئه زیاد استفاده می‌کرد. برای نمونه حافظ اسد به دلیل افکار توطئه‌باورانه‌ای که داشته، برادر خود را عامل آمریکا می‌دانست. مصطفی طلاس، وزیر دفاع اسبق سوریه، معتقد بود که توطئه‌گران «داگ‌ها مرشد» را ترور کردند و آنان انقلاب‌هایی همچون فرانسه و روسیه را پدید آوردند. از نظر او فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ناشی از توطئه توطئه‌گران بوده است (Pipes, 1998: 104). در رمضان سال ۱۹۹۰ میلادی حافظ اسد بیان داشته که «ما در جامعه‌مان با خطر توطئه روبرو هستیم» و چند روز بعد هم‌تای موریتانی او در جشن عید فطر، هوشیاری تعدادی از شهروندان را نسبت به دسیسه‌های پست عده‌ای از توطئه‌گران ستود (Pipes, 1998: 3).

در اظهارات سرهنگ معمر قذافی، حاکم سابق لیبی نیز می‌توان شواهدی از تحلیل‌های توطئه‌باورانه را مشاهده کرد. از نظر او توطئه‌گران غربی با به قدرت رساندن عده‌ای از رهبران

مزدور در برخی کشورها سعی بر استفاده از روش‌های توطئه‌آمیز دارند. قذافی معتقد بود، کمونیست‌ها و برخی از افراد اخوان‌المسلمین علیه انقلاب لیبی در حال تباری و توطئه بوده‌اند (Pipes, 1998: 177-178). او همواره به‌منظور تجدید حیات و تقویت قدرت خود از تئوری توطئه سود می‌جسته است. انتشار سه مقاله متوالی در سال ۱۹۹۲ میلادی در روزنامه دولتی الجماهیر که در آن سرهنگ قذافی به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفته بود، نمونه واضح در این باره است. این مقالات از جانب خود قذافی و با هدف انحراف کشیدن اذهان چاپ شده بود. قذافی همانند بسیاری از سیاهپوستان آمریکایی به این باور داشت که ویروس ایدز ساخته و پرداخته سازمان سیا بوده و این مهم که ویروس از میمون‌های آفریقایی به انسان منتقل می‌شود را تکذیب می‌کرد (Ghaffari Hashjin, 2001: 138).

به‌نظر برخی، جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور اسبق مصر، ذهنیت توطئه‌باور داشته است. او اعتقاد داشته که قدرتهای خارجی به‌دنبال توطئه‌هایی برای برکناری او هستند و تمام سعی خود را می‌کنند تا مانع پیشرفت مصر شوند (Singerman, 2002: 29-35). به‌نظر گری، جمال عبدالناصر همواره بر این نکته تأکید داشته که می‌توان دست پنهان موجود در پشت حوادث مصر را افشا کرد. از نظر وی، آمریکا همیشه به‌دنبال منافع رژیم صهیونیستی و بریتانیا بوده است (Gray, 2010: 53).

عمر البشیر رییس‌جمهور سودان درباره اعلامیه شورشیان دارفور بیان کرده که «این اعلامیه از جانب یهودیان طرح‌ریزی شد تا سودان را جدا کرده و منابع آن را غارت کنند». از دیدگاه یک نویسنده سودانی «دروغ‌های بیان شده از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی در دارفور بخشی از توطئه این رژیم به‌منظور کنترل بر حوزه رود نیل تا رودخانه فرات بوده است» (Stalinsky, 2007).

ب: سایر افراد

همان‌طور که بیان شد توطئه باوری در میان اقشار مختلف خاورمیانه عربی دیده می‌شود. البته میزان مقبولیت این‌گونه تحلیل‌ها در میان اهل فکر و اندیشه کمتر بوده و آنان به این‌گونه

تحلیل‌ها با شک و تردید نگاه می‌کنند. ولی سایر اقشار جامعه به دلیل عدم جریان اطلاع‌رسانی شفاف و برخورداری از سطح پایین فرهنگ سیاسی، به این‌گونه تحلیل‌ها اقبال بیشتری نشان داده و در فهم وقایع سیاسی و تاریخی پیرامون خود از این‌گونه تفکر غیر عقلانی بیشتر بهره می‌گیرند (Pipes, 1998: 10). به‌طور کلی این‌گونه تفکر در خاورمیانه عربی در میان بخش وسیعی از جمعیت وجود داشته و آنها وقایع مختلف دنیای عرب را ناشی از دسیسه و توطئه بیگانگان می‌دانند که البته این باور در میان مردم کشورهای چو عراق، سوریه و اردن بسیار متداول است (Pipes, 1998: 5-6).

توطئه‌باوری در میان افراد غیرحاکم عربی از اقشار مختلف دیده می‌شود. برای مثال در آثار نویسندگان و فیلم‌سازان مضامین توطئه دیده می‌شود (Gray, 2010: 26-29) و این‌گونه ادبیات در بین بسیاری از روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی کشورهای عربی مثل سوریه رواج دارد (Abdel Salam, n.d: 98). در برخی از این‌گونه تحلیل‌ها، افراد بر این باورند که حکومت سوریه از دهه ۱۹۶۰ دستش با رژیم صهیونیستی در یک کاسه است (Pipes, 1998: 1).

پل تیلور در گزارشی برای رویترز در آوریل سال ۲۰۰۳ می‌نویسد که «اعراب و مسلمانان به آنچه که اتفاق افتاده باور ندارند و روزهای آتی این مسئله را برای آنها بیشتر آشکار می‌کند». به بیان مغازه‌داری عربی «اینکه صدام حسین کشته شده باور کردنی نیست. او به احتمال زیاد در مکانی که تنها برای آمریکایی‌ها شناخته شده است، نگهداری می‌شود». بسیاری از عراقی‌ها و حتی سایر اعراب در تحلیل‌های توطئه‌باورانه خود، دست پنهان آمریکا را در این حادثه می‌بینند (Horner, 2011: 89). برخی از تحلیل‌گران عرب به‌عنوان نمونه گسترش صنعت گردشگری در مصر را از این زاویه تجزیه و تحلیل کرده و معتقدند که «گردشگران در مصر به دنبال اهدافی چون گسترش فساد و فحشا، شیوع ویروس ایدز و جاسوسی برای سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه هستند» (Pipes, 1998: 176).

ناپدید شدن امام موسی صدر از نمونه‌های دیگر تئوری‌های توطئه متناقض در خاورمیانه عربی است. مثلاً رژیم قذافی برای فرافکنی و تبرئه خود در این باره توطئه‌گران دخیل در این حادثه را شامل جاسوسان آمریکایی، سازمان تروریستی آلمان، سازمان جاسوسی ایتالیا، رژیم صهیونیستی و

آمریکا را معرفی کردند که دست به دست هم داده‌اند تا به رابطه لیبی با کشور انقلابی ایران و همچنین یاسر عرفات ضربه بزنند. در مقابل در برخی تحلیل‌ها این‌طور عنوان شد که امام موسی صدر قربانی توطئه اعراب شده و در اسارت آنهاست (Pipes, 1998: 113-114).

برای بیان بهتر می‌توان شواهدی از توطئه‌باوران در تئوری‌های توطئه خاورمیانه عربی و ویژگی‌های آنان را در قالب جدول شماره ۳ ارائه کرد.

جدول شماره ۳: شواهدی از توطئه‌باوران در تئوری‌های توطئه خاورمیانه عربی و ویژگی‌های آنان

توطئه‌باوران	مصادیق توطئه‌باوران	ویژگی‌های توطئه‌باوران
نخبگان سیاسی	حکام و روسای جمهور عربی نظیر: حافظ اسد، صدام حسین، معمر قذافی، جمال عبدالناصر و ...	- توسل به تکه پاره‌هایی از شواهد نامطمئن و دفاع غیرمنعطف از آنها؛ - تحلیل غیرواقع‌بینانه از نقش‌آفرینی نیروهای قدرتمند در حوادث بر اساس شواهد نامعقول؛
سایر افراد	نویسندگان، فیلم‌سازان، روزنامه‌نگاران و برخی فعالان سیاسی	- ارائه تبیین‌های تک‌علتی مبتنی بر توطئه غیرقابل نقد و ارزیابی سریع؛ - خلق سناریوهای مبتنی بر نقش دست‌های پشت‌پرده و نگرش پارانویدی؛ - اظهار عجز و ناتوانی در برابر نیروهای مهیبی که خود خلق کرده؛ - عدم پذیرش شواهدی که تئوری او را در هم بریزد؛ - تمسک به شواهد پراکنده و بیش از حد جلوه دادن آنها؛ - برخورداری از ذهن از پیش ساخته، متصلب و انعطاف‌ناپذیر.

۳-۳-۴- مبانی و مفروضات تئوری‌های توطئه خاورمیانه عربی

علاوه بر مبانی و مفروضات تئوری توطئه که در بخش اول مقاله و شکل شماره ۱ ذکر شد، از جمله مبانی و مفروضاتی که برای این‌گونه تحلیل‌ها در خاورمیانه عربی می‌توان بیان کرد و ابتدا در این باره به کلمات و عبارات‌های نشانگر این‌گونه تحلیل‌ها در مطبوعات و رسانه‌های این کشورها اشاره کرد. در این تحلیل‌ها از کلماتی نظیر توطئه امپریالیسم، جنایت رژیم صهیونیستی، استعمار غرب، خیانت به انقلاب، دشمنان، خائنان، مزدوران، نوکران، توطئه‌گران و... در رسانه‌های جمعی و گفتارهای سیاسی زیاد استفاده می‌شود (Pipes, 1992: 44).

در این گونه اظهار نظرها چنین گمان می‌رود که نیروهای خارجی همواره منتظرند تا در اولین فرصت بر جهان عرب حمله کرده و یا به آنها خنجر زنند. این حملات معمولاً با هدف نابودی وحدت اعراب، تضعیف اقتصاد ملی، کاهش توان نظامی اعراب، کم کردن قدرت منطقه و حتی حمله به دولتهای عرب صورت می‌گیرد. در این گونه تحلیل‌ها جهان به دو قطب دنیای عرب و دنیای غرب تقسیم‌بندی می‌شود. برخی از مستشرقین وجود تقسیم‌بندی دو مفهوم دارالاسلام و دارالکفر را شاهد بر این قطب‌بندی می‌دانند و در تحلیل‌های خود تا آنجا پیش می‌روند که حتی موضوع شیوع بیماری آنفلوآنزای مرغی را ناشی از دسیسه و توطئه آمریکا و اروپا می‌دانند (Abdel Salam, n.d: 90).

از جمله مبانی تئوری‌های توطئه، اتکا و استناد به مجموعه‌ای از اطلاعات دروغ، خرافی و شایعات است. این گونه اطلاعات بی‌اساس در قالب تحلیل‌های توطئه‌باورانه به شکلی جلوه داده می‌شود که تشخیص اطلاعات واقعی و معتبر از داده‌های دروغ و غیرمعتبر امکان‌پذیر نیست. لذا این مسئله منجر به گیجی و سردرگمی افراد در کسب اطلاعات درست از وقایع منطقه می‌شود (Pipes, 1998: 19-20).

تحلیل‌گرانی چون عبدالسلام معتقدند که بر خلاف تفکر علمی که مبتنی بر منطق، روابط علی و معلولی، مشاهده، تجربه بوده و بر چهارچوبی از روش و نظریه متکی است، این گونه تفکر در دنیای عرب چندان حاکم نیست. به جای آن تفکر غیرعلمی و توسل به خرافات، افسانه و شایعه رواج دارد. از این رو در تجزیه و تحلیل‌های وقایع و حوادث به توطئه اندیشی و اعتقاد به طرح و نقشه‌های پنهانی توطئه‌گران در اداره جهان در خاورمیانه و دنیای عرب بسیار متداول است (Abdel Salam, n.d: 89).

۵- تجزیه و تحلیل

همان‌طور که بیان شد توطئه به‌عنوان یک عمل عینی در عرصه سیاست و تصمیم‌گیری‌های سیاسی غیرقابل انکار است و با تئوری توطئه به‌عنوان یک چارچوب و روش تجزیه و تحلیل تک علتی حوادث و وقایع تفاوت دارد. تئوری توطئه تقریباً پدیده‌ای فراگیر و جهانی است و

این‌گونه تحلیل‌ها در فرهنگ سیاسی جوامع مختلف از جمله کشورهای خاورمیانه وجود دارد. بنا به تعبیری مطالعه خاورمیانه و کشورهای عربی بدون توجه به تئوری توطئه شبیه مطالعه اقتصاد کشور آمریکا بدون توجه به نقش وال استریت و بررسی سیاست اتحاد جماهیر شوروی بدون توجه به مکتب مارکسیسم-لنینیسم است. این‌گونه تجزیه و تحلیل‌ها درباره مسائل و حوادث کوچک و بزرگ این منطقه مشاهده می‌شود و می‌توان شواهدی از آن را از مسائل خصوصی زندگی افراد گرفته تا حرکت‌های انقلابی و بیداری اسلامی اخیر بویژه در بخش عربی این منطقه ملاحظه کرد.

از جمله کسانی که در زمینه تئوری توطئه در خاورمیانه کار کرده‌اند، می‌توان به دانیل پایپس، گراهام فولر، ماروین زونیس، متیو گری، ال. کارل برون و سایرین اشاره کرد، که هرکدام دلایلی را برای رشد و رواج این پدیده در این منطقه حساس و مهم ذکر کرده‌اند. برخی از این صاحب‌نظران معتقدند که بر خلاف تفکر علمی که مبتنی بر منطق، روابط علی و معلولی، مشاهده، تجربه بوده و بر چهارچوبی از روش و نظریه متکی است، این‌گونه تفکر در دنیای عرب چندان حاکم نیست. به‌جای آن تفکر غیرعلمی و توسل به خرافات، افسانه و شایعه رواج دارد. از این‌رو در تجزیه و تحلیل‌های وقایع و حوادث به توطئه‌اندیشی و اعتقاد به طرح و نقشه‌های پنهانی توطئه‌گران در اداره جهان در خاورمیانه و دنیای عرب بسیار متداول است.

از جمله نکاتی که درباره این‌گونه تحلیل‌ها در ادبیات سیاسی خاورمیانه عربی و در مطبوعات و رسانه‌های این کشورها قابل مشاهده است، استفاده از کلمات و عبارات خاصی در این‌گونه تحلیل‌ها نظیر توطئه امپریالیسم، دست‌های پنهان، استعمار غرب، خیانت، دشمنان، خائنان، مزدوران، نوکران، توطئه‌گران و ... است. در این‌گونه اظهار نظرها چنین گمان می‌رود که نیروهای خارجی همواره منتظرند تا در اولین فرصت بر جهان عرب حمله کرده و یا به آنها خنجر زنند. این حملات معمولاً با هدف نابودی وحدت اعراب، تضعیف اقتصاد ملی، کاهش توان نظامی اعراب، کم کردن قدرت منطقه و حتی حمله به دولت‌های عرب صورت می‌گیرد. در این‌گونه تحلیل‌ها جهان به دو قطب دنیای عرب و دنیای غرب تقسیم‌بندی می‌شود. برخی در تحلیل‌های خود تا آنجا پیش می‌روند که حتی موضوع شیوع بیماری آنفلوآنزای مرغی را

ناشی از دسیسه و توطئه آمریکا و اروپا می‌دانند.

از جمله ویژگی‌های تئوری‌های توطئه، اتکا و استناد به مجموعه‌ای از اطلاعات دروغ، خرافی و شایعات است. این‌گونه اطلاعات بی‌اساس در قالب تحلیل‌های توطئه‌باورانه به شکلی جلوه داده می‌شود که تشخیص اطلاعات واقعی و معتبر از داده‌های دروغ و غیرمعتبر امکان‌پذیر نیست. لذا این مسئله منجر به بروز ابهام و سردرگمی برای افراد در کسب اطلاعات درست از وقایع منطقه می‌شود.

با توجه اهمیت استراتژیک خاورمیانه و موقعیت ژئوپلیتیک خاص آن، این منطقه همواره مورد توجه و عرصه رقابت‌های قدرت‌های جهانی بوده است. این‌گونه قدرت‌ها برای رسیدن به منافع و ادامه سلطه خود بر این منطقه به انواع شگردها و توطئه‌های واقعی متوسل شده‌اند. چنین عملکرد استعماری و سلطه‌طلبانه آنها موجب تقویت ذهنیت منفی نسبت به این قدرت‌ها شده به حدی که حتی در موادی که توطئه‌ای در کار نبوده است، وقایع و اتفاقات دیگر نیز در چارچوب تئوری توطئه مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است. به عبارت دیگر می‌توان دخالت‌ها و رقابت‌ها و توطئه‌های واقعی کشورهای نظیر بریتانیا، آمریکا، رژیم صهیونیستی را به‌عنوان مهمترین عامل رشد و رواج تئوری‌های توطئه در فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه عربی محسوب کرد که البته در کنار این عوامل سایر عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز به‌نوبه خود مؤثر بوده است.

از این‌گونه تحلیل‌ها به‌عنوان ابزار برای رسیدن به مقاصد و اهداف سیاسی نیز استفاده می‌شود. بر این اساس سیاستمداران با ایجاد دشمن فرضی و با تبلیغات گسترده در این باره و مقصر جلوه دادن این‌گونه دشمنان در ارتباط با حوادث و مشکلات برای سرپوش گذاشتن به ضعف‌ها و مشکلات موجب انحراف اذهان و جهت‌دهی به افکار عمومی در جهت منافع و مقاصد خود می‌شوند. در همین راستاست که در جریان وقایع و حوادث مهم کشورهای عربی از جمله جریان بیداری اسلامی در منطقه به این‌گونه تحلیل‌ها متوسل می‌شوند. آنچه که مسلم است این‌گونه تحلیل‌ها ناشی از عدم درک و تحلیل درست اوضاع سیاسی و بین‌المللی و ناشی از تحریف حقایق و مخدوش کردن اذهان و افکار عمومی برای ادامه سلطه و نفوذ حاکمان دست‌نشانده است.

۶- نتیجه‌گیری

هدف از مقاله حاضر بررسی و شناخت جایگاه، ارکان و شواهدی از تجزیه و تحلیل‌های توطئه‌باورانه در فرهنگ سیاسی منطقه خاورمیانه عربی بود. در این باره سه سوال مطرح و سعی شد به آنها پاسخ داده شود. در پاسخ به سوال اول به تعریف مفهوم فرهنگ سیاسی و همچنین به تعریف تئوری توطئه به‌عنوان مؤلفه مهمی از فرهنگ سیاسی اشاره شد. بر اساس تعریف ارائه شده از تئوری توطئه به‌عنوان چارچوب تک‌علتی تحلیل وقایع و حوادث، ارکان سه‌گانه آن یعنی توطئه‌گران، توطئه‌باوران و مبانی و مفروضات توطئه باوری با بیان مصادیق اشاره شد. در پاسخ به سوال دوم مبنی بر اینکه تئوری‌های توطئه در فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه عربی چه جایگاهی داشته، ارکان و علل رشد و رواج آن چیست؟ ابتدا مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی منطقه خاورمیانه عربی همچون استبداد، بی‌اعتمادی، بیگانه‌ستیزی، فردمحوری و تئوری توطئه توضیح داده شد و سعی گردید ضمن اشاره به علل این پدیده از نگاه صاحب‌نظران آن تشریح شود.

در پاسخ به سوال سوم مبنی بر اینکه «ارکان تئوری‌های توطئه در منطقه خاورمیانه عربی کدامند؟» با توجه به ارکان سه‌گانه مذکور برای تئوری‌های توطئه، سعی شد به تعدادی از توطئه‌گران با این منطقه با ذکر شواهد اشاره شود. در این باره این نتیجه حاصل شد که آمریکا، رژیم صهیونیستی و بریتانیا از جمله توطئه‌گران اصلی در تحلیل‌های توطئه‌باورانه منطقه خاورمیانه و بخش عربی آن محسوب می‌شوند. درباره مصادیق توطئه‌باوران نیز به شواهد گوناگونی در بین نخبگان سیاسی و سایر افراد و همچنین به مبانی تحلیل و مفروضات خاص این‌گونه تئوری‌های توطئه اشاره شد.

۷- قدردانی

مقاله حاضر مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان: «تئوری توطئه در فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه عربی (مطالعه موردی کشورهای مصر، سوریه و عراق)» است که بدین‌وسیله نگارندگان مراتب سپاس و تقدیر خود را از معاونت پژوهشی دانشگاه شاهد و گروه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی به خاطر حمایت‌های صورت گرفته اعلام می‌دارند.

References

1. Abdel Salam, Mohamed (n.d.), The Modes of Arab Conspiracy Theories, Available at: www.Arabinsight.com.
2. Alkhazen, Gahad (2010); Nazariyya Almoamera, Available at: http://www.albaathmedia.sy/index.php?option=com_content&view=article&id=28115&catid=49:2009-08-06-09-05-29&Itemid=122[In Arabic].
3. Bartaran, Badi (1997); Political Development, translated by: Ahamd Naghibzadeh, Tehran: Ghoumes Publications [In Persian].
4. Bigdeli, Ali (1899); Political and Economic History of Iraq, Mirase Mellal Institute. Tehran: Sazman-I Chap Khajeh Publication [In Persian].
5. Chehabi, Houchang E (2009); The Paranoid Style in Iranian Hystography, from Atabaki, Touraj. Iran in the 20th century: hystography and political culture, London: i.b.tauris & Co Ltd.
6. Eisa, Khalil (2010); Alehteigagat-I Alarabe-ye Mostamerah, Available at: www.al-akhbar.com/node/15966[In Arabic].
7. Ghaffari Hashjin, Zahed (2001); Conspiracy Theory; a Pervasive and Global phenomena, Daneshvar Bimonthly, Winter 2001, No. 36. Pp. 131-140 [In Persian].
8. Ghaffari Hashjin, Zahed (2002); Way of thinking based on Conspiracy fertility; foundations and origins, Journal of Political economic Information, No. 179-180. Pp. 48-61 [In Persian].
9. Ghaffari Hashjin, Zahed (2005); Conspiracy theory in contemporary political culture of Iran; From the Constitutionalism to the Islamic Revolution, Tehran: Surush Publicatins [In Persian].
10. Ghalandari, Fatemeh Zahra (2011); Conspiracy Theory in the political culture of the Arabic Middle East, Master's thesis, Shahed University [In Persian].
11. Gheisas, Feras (2010); Hal Satohzamo Nazariyya Almoamera fi Maarekah Alsorat-I Alarabiah, Available at: http://www.pydrojava.com/index.php?option=com_content&view=article&id=4170:2011-06-25-10-05-49&catid=86:2010-09-13-14-42-02&Itemid=200[In Arabic].
12. Gray, Matthew (2010); Conspiracy Theories in the Arab World: Sources and Politics, Routledge.
13. Gray, Matthew (2011); A Cultural Sense of Conspiracies? The Concept of Rumor as Propaedeutics to Cospiracism, From Graf Arndt, Paul Ludwig & Fathi Shirin (2011), Orientalism & Conspiracy: Politics And Conspiracy Theory In The Islamic World, London: i.b.tauris & Co Ltd.

14. Hafeznia, Mohammad Reza et al. (2010). Functions of geopolitical discourse of Imaginary enemy, *Geopolitics Quarterly*. Vol. 6, No. 2 [In Persian].
15. Hamadeh, Vassam (2012); Ethnic tensions in Lebanon and Washington Plotting, Available at: <http://www.inn.ir/newsdetail.aspx?id=107570>[In Persian].
16. Horner, Karin (2011); Political Culture, Pplitical Dynamics and Conspiracism in the Arab Middle East, From Graf Arndt, Paul Ludwig & Fathi Shirin (2011), *Orientalism & Conspiracy: Politics And Conspiracy Theory In The Islamic World*, London: i.b.tauris & Co Ltd.
17. Javdani Moghadam, Mahdi (2012); Modern geopolitics of Shiite in the Middle East and foreign policy of the Islamic Republic of Iran, *Geopolitics Quarterly*, Vol. 8, No. 2. [In Persian].
18. McConnachie, James & Robin Tudge (2008); *The Rough Guide To Conspiracy Theories*, London. Rough Guides Ltd.
19. Mosallanejad, Abbas (2007); *Political Culture of Iran*, Tehran: Farhang-e Saba Publications[In Persian].
20. Mottaghi, Ebrahim (2008), Geopolitical stasis and Soft equilibrium, Case Studies: The Middle East in the years 2001-9, *Geopolitics Quarterly*, Vol. 4, No 1[In Persian].
21. Noroozi, Nasrallah (1996); Personal power stracture and the collapse of the Pahlavi regime, *Rahbord Quarterly*, Spring No. 9[In Persian].
22. Obeidi, Amal (2001); *Political culture in Libya*, Routledge.
23. Pipes, Daniel (1992); *Dealing With Middle East Eastern Conspiracy Theories*, Orbis, Winter.
24. Pipes, Daniel (1994a); Middle East Mischief, September 1994, Avaliable at: <http://www.danielpipes.org/253/middle-eastemischieft>.
25. Pipes, Daniel (1994 b); The Paranoid Style in Mideast Politics, *Washington Post* November 6. Available at: <http://www.danielpipes.org/259/the-paranoid-style-in-mideast-politics>.
26. Pipes, Daniel (1997); *Conspiracy: how the paranoid style flourishes and where it comes from*, New York: free press.
27. Pipes, Daniel (1998); *The Hidden Hand: Middle East Fears of Conspiracy*, New York: martin`s press.
28. Pipes, Daniel (1999); Egypt Air Probe uncovers Anti-Americanism. *Wall street journal*, November 24, <http://www.danielpipes.org/322/egyptair-uncovers-anti-americanism>.
29. Pipes, Daniel (2010); *Conspiray Theories Keep Polio Alive*, June 2, Available at: <http://www.danielpipes.org/blog/2004/01/conspiracy-theories-keep-polio-alive>.
30. Rich, Paul (1991); *The Invasion the Gulf: Radicalism, Ritualism and the shaikhs*, Cambridge: Allborough press.

31. Singerman, Diane (2002); The Politics of Emergency Rule in Egypt, Current History.
32. Svec, Stefan (2007); Political Culture Islam and Public Participation in Modern Egypt, GRIN Verlag.
33. Vinker, Yuorgen R (2010); Political culture and its role in the political process, Resalat Newspaper, No. 7059[In Persian].
34. Zonis, Marvin & Gosef, Craig (1994); Conspiracy thinking in middle east. political psychology, Vol.15, No.3.